

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۳۰.۰۷.۱۰

هياهو افشای اسناد جنگی

و

احتمالات پس پرده آن

در هفته ای که گذشت یعنی به صورت دقیق از یکشنبه ۲۵ همین ماه، به دنبال نشر برخی اوراق زیر عنوان اسرار سری ارتش امریکا در سایت "ویکی لیکس" و به دنبال آن در رسانه های خبری معتبری چون "نیویارک تایمز"، "گاردین" و "اشپیگل" هياهو بس فزاینده ای در سطح رسانه ها آغاز یافت که حالا حالا ها نمی توان سرانجامی برای آن پیش بین شد.

قضیه زمانی آغاز یافت که سایت "ویکی لیکس" با نشر انبوهی از اسناد که شمار آنرا ۹۰ هزار سند معرفی می دارند ادعا نمود که این اسناد را یک سازمان غیر دولتی برایش فرستاده و از ورای آن اسناد می توان واقعیت جنگ افغانستان را به درستی درک نمود. به اساس گفته "بی بی سی" سایت مذکور ادعا می دارد که تمام آن گزارشات که وبه وسیله سربازان و افراد امنیتی در فاصله زمانی ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹ تهیه شده، گویا به وسیله یک سازمان غیر دولتی در اختیار آنها قرار داده شده است.

عکس العمل در قبال نشر و افشای این اسناد به تناسب اهمیتی که رسانه های خبری برای آن قایل شدند، می توان گفت تا حد زیادی با کم بها دادن به آنها همراه بود. چنانچه در حالیکه سردهسته غلامان در کابل یعنی "حامد کرزی" آنها را کهنه وانمود نموده در شرایط کنونی فاقد ارزش دانست و مقامات پاکستانی صرف بخش مربوط به خود آن کشور را انکار نموده ارزش امنیتی و اطلاعاتی آنرا زیر سؤال برد، مقامات امریکائی و متحدان غربی آنها عکس العمل های متفاوت از خود نشان داده ضمن کهنه نامیدن آنها، اینجا و آنجا از اهمیت امنیتی، حقوقی و سیاسی آنها نیز سخن به میان آوردند.

هر چند در مقطع کنونی خیلی زود است تا بتوان به حکم جامع در رابطه با چگونگی کمی و کیفی تمام قضیه چیزی نوشت، با آنهم به اساس سؤالاتی که در این زمینه از طرف خوانندگان گرامی پورتال مطرح گردیده، خواهم کوشید تا برداشت فردی خویش را از این ماجرا با دوستان در میان گذارم. به یقین با گذشت زمان و افشای هزاران راز در زمینه بر کل قضیه روشنی بیشتر افکنده خواهد شد، امید است در آن زمان هم این نوشته ارزش خواندن خود را حفظ نموده بتواند:

نخستین مطلبی که در تمام این ماجرا جلب توجه می نماید کمیت اسناد و چگونگی انتقال آن به دست سایت "ویکی لیکس" است. نباید فراموش نمود که در اینجا پای افشای یک، دو و یا صد و هزار سند نیست، مسأله بر سر افشای ۹۰ هزار سند است که همه ظرف ۵ سال جمع شده اند. یعنی به صورت متوسط روزانه حدود ۵۰ سند به آرشیف گذاشته شده است، سؤالاتی که در این زمینه عرض اندام می نمایند می تواند قرار آتی باشد:

۱ - هیچ جای شکی در آن نیست که وزارت دفاع امریکا به مثابه یکی از اداره های فوق پیشرفته که بر جم غفیری از نخبگان اداری آن کشور دسترسی دارد نمی تواند آنقدر عقب مانده باشد که نخست اسناد را بدون طبقه بندی آرشیف نماید و در ثانی همه را یکجا در یک جوال ریخته و نامش را آرشیف بگذارد و از جانب دیگر هیچ استبعادی ندارد که در تمام آن ۵ سال فقط یک نفر تمام کار ها را انجام داده و همان فرد توان آنرا داشته تا اسناد متفاوت را که بنا بر تغییر موضوع می بایست در مکانهای خاص خودشان آرشیف شده باشند، به یک حرکت در دسترس همگان قرار داده بتواند.

با شناختی که از سبک کار پنتاگون در همچو موارد وجود دارد، بسیار بعید به نظر می رسد که اساساً چنین اتفاقی بدون استیذان مقامات پنتاگون افتاده باشد، مگر اینکه بپذیریم یک نهاد استخباراتی فوق العاده قوی و زیرک بر تمام آن دستبرد زده و آنرا مجاناً در اختیار رسانه ها قرار داده است، احتمالی که به اندازه احتمال اولی بعید به نظر می خورد.

۲- فاصله زمانی کوتاه بین افشای آن اسناد با کنفرانس کابل که در آنجا کشور های شرکت کننده متعهد شدند تا باز هم برای تحکیم مناسبات استعماری در افغانستان بیش از ۱۸ میلیارد دالر به مصرف برسانند. این تقریب زمانی به همان اندازه که می تواند اتفاقی باشد، می تواند هم آگاهانه انتخاب شده باشد تا به شکلی از اشکال با زیر گرفتن نتایج آن کنفرانس، اولویت هائی را برای کشور های تمویل کننده مشخص نماید.

۳- می دانیم که امریکا، انگلستان و المان به ترتیب کشور هائی اند که بیشتر از سایر کشور های اشغالگر در افغانستان نیرو پیاده نموده و در واقع بیشترین بار انسانی تجاوز امپریالیستها را به دوش دارند، با در نظر داشت همین نکته، پخش اسناد مورد نظر در همین سه کشور نامبرده تا چه حد می تواند تصادفی انتخاب شده باشد و تا کدام حدودی وظایف خاصی را انجام می دهد، مسأله ایست که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت بدون آنکه نظری بر آن انداخت.

۴- هرگاه این عمل بدون موافقت پنتاگون و مقامات صاحب صلاحیت صورت گرفته باشد، زیر هر عنوان که بخواهند آنرا تبلیغ نمایند در واقعیت امر دستبرد و سرقتیست آشکار بر اسناد سری و زارت جنگ ایالات متحده امریکا در شرایطی که جنگ هنوز دوام دارد، چه شد که امریکای "قانون گرا" که قصد دارد تا "قانون شکنان" را در اقصا نقاط جهان "به کیفر اعمال شان" برساند، در اینجا پایش سستی نموده بدون آنکه با توسل به قانون جلو پخش اسناد را که از جمله اموال مسروقه به شمار رفته و در همه جا قابل مصادره است، بگیرد بعد از یک هفته سکوت سرانجام شخص وزیر دفاع "گیتس" از "اف بی آی" می خواهد تا وزارت دفاع را در زمینه کمک نماید.

مگر نه اینکه نفس کمک خواستن از "اف بی آی" اذعان غیر مستقیم به آن است که قضیه در داخل امریکا اتفاق افتاده و احیاناً اگر پای رقبای استخباراتی هم در میان باشد، همه در داخل خاک امریکا صورت گرفته است.

تأمل و دقت در تذکرات فوق و چه بسا مطالب دیگر یک‌یکه برای این قلم آشکار نیست، یک احتمال دیگر را نیز قابل تصور می‌سازد که همانا سپردن اسناد در اختیار "ویکی لیکس" به وسیله پنتاگون می‌باشد. هرگاه فرض نمائیم که این احتمال حقیقت داشته باشد باید نوشت، پنتاگون و یا "سی آی ای" به چه دلیل به چنین امری دست یازیده است. در ذیل خواهیم کوشید دلایل چندی را که می‌تواند با عث چنین حرکتی گردیده باشند، ردیف نمائیم:

- ۱- تضاد های درونی طبقه حاکم و جناح های مختلف سرمایه و به تبع از آن نمایندگان آنها در عرصه بیروکراتیک، یکی از آن امراض علاج ناپذیر است که خارج از اراده این فرد و یا آن فرد عمل نموده نه تنها در نهایت چنان دولت را به اضمحلال خواهد کشانید که با از دست دادن "توأمیت دولتی" قادر به حفظ خود نیز در تقابل خیزش طوفانزای مردم امریکا نخواهد شد، در گذشته نیز بار ها این طبقه و جناح سرمایه، طبقه و جناح رقیب را با همچو ضرباتی فلج نموده، امکان استقرار و استمرار قدرت خود را در اداره کشور ممکن ساخته اند. به همین مناسبت، زیاد شک بر انگیز خواهد بود هرگاه نیروهای رقیب انتخاباتی در آستانه انتخابات میان دوره ئی، به چنین کاری دست یازیده باشند تا زیر عنوان عدم صلاحیت طرف مقابل در حفظ اسناد دولتی و به خطر مواجه ساختن حیات فرزندان امریکائی، اذهان عامه را تسخیر و حریف را در عرصه انتخابات کشت و مات دهند.
- ۲- به استناد برخی از اسناد نشر شده که در کل یک نوع مظلومیت تصنعی را برای "طالب" تبلیغ می‌دارد، از کجا معلوم که غرض از پخش این همه سند، مقدمات کنار آمدن با جنایتکاران طالبی نباشد.
- ۳- شکست های متواتر ستراتیژیک اشغالگران طی مدتی که جنگ جنایتکارانه ناتو علیه مردم بیدفاع ما دوام دارد و تلاش مذبحخانه آنها به غرض بیرون رفتن از افغانستان مگر با حفظ سلطه استعماری خود در کشور، یکی از احتمالات دیگر است که می‌توان مقامات کاخ سفید را بانی چنین "درز ها" دانست
- ۴- با در نظر داشت آنکه تا اکنون چهره های مشخصی مانند دوستم، عطا و برخی دیگر از خاینان و ابسته به ملیت های غیر پشتون به وسیله اسناد نشر شده به مثابه جاسوس امریکا مشخص گردیده اند و جاسوسی آن افراد به صورت عمده علیه ملیت پشتون بوده است، هرگاه منظور از افشای اسناد، تعمیق و تشدید استخوان شکنی های قومی، زبانی، مذهبی و ملیتی بین ساکنان این کشور باشد، دور از تصور نمی‌تواند باشد. وقتی بپذیریم که یکی از راه های احتمالی غلبه بر بحران از جانب اشغالگران، تلاش به خاطر تجزیه کشور می‌تواند باشد؛ مبرهن می‌گردد که باید آنها برای تعمیق و تشدید استخوان شکنی بیشتر از پیش سرمایه گذاری نمایند.
- ۵- ضمن تشدید مخاصمت بین پاکستان و افغانستان، پاکستان را زیر فشار قرار دهد تا بیشتر از پیش روابط "آی اس آی" با طالبان را از انظار مخفی دارد ورنه ممکن است این بازی دوسره ارباب و مزدور را دچار مشکل نماید.
- ۶- از همه مهمتر تجرید رژیم ولایت فقیه و آماده ساختن اذهان عامه جهانی برای حملات نابود کننده علیه آن کشور می‌باشد.

هرگاه جریان وقایع قبل از حمله به عراق را فراموش ننموده باشیم حتماً به خاطر می‌آوریم که کاخ سفید قبل از حمله به عراق، ده ها و صد ها سند به اصطلاح مخفی و ساختگی را به خورد مطبوعات داد تا آنها با نشر آن اسناد، در واقع اذهان عامه را برای حمله بالای عراق مساعد بسازند. از آنجائیکه بعد از اشغال عراق هیچ یک از ادعا ها نتوانست به اثبات برسد و در نتیجه کوس روسوائی کاخ سفید چنان محکم نواخته شد که صدای آن کر گوش ها را نیز متأثر نمود، در مقطع کنونی برای کاخ سفید هیچ ممکن نیست تا خود بتواند مردم را نسبت به صحت ادعاهایش در

رابطه با ایران مطمئن بسازد. در نتیجه برای آنها بسیار به صرفه است که زیر عنوان "درزاسناد" به هزاران سند جعلی را در رابطه با ایران و نقش آن در همکاری با طالب به نشر برساند. تا از یک طرف اذهان عامه را در مقابله با ایران تحت تاثیر قرار دهد و از جانب دیگر حین بازخواست در قبال نشر آن اسناد هیچ گونه مسؤولیتی را به گردن نگیرد.

با در نظر داشت احتمالاتیکه در فوق تذکار یافت و با در نظر داشت آنکه از مجموع پخش آن اسناد، بیشترین استفاده را کاخ سفید و پنتاگون می توانند ببرند، زیاد جای تعجب نخواهد بود هرگاه فرداها افشاء شود که اسناد به وسیله خود آنها در اختیار رسانه ها قرار داده شده بود.

آنچه برای ما حایز اهمیت است تعمیق شناخت خود از سیاست ها و نیرنگ های دشمن استعمارگر می باشد، که باید کوشید به اصطلاح سفیدی های کاغذ دشمن را خوانده به موقع پادزهر لازم را علیه آن استعمال نماییم.